



دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی  
چه ویژگی‌های روانی دارند؟  
چگونه می‌توان آن‌ها را با این تغییر تازه منطبق کرد؟

## روان‌شناسی ششمی‌ها

سعید بی‌نیاز  
کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱، برای همه کسانی که در مدرسه‌های ابتدایی کار یا تحصیل می‌کنند، سال متفاوتی است. اما بیشترین تفاوت را دانش‌آموزان و معلمان پایه تازه تأسیس ششم ابتدایی تجربه می‌کنند. معلمان این پایه از بین معلمان دوره ابتدایی انتخاب شده‌اند و دانش‌آموزان این پایه برای اولین بار نقشی می‌گیرند که چندین دهه است دانش‌آموزی آن را تجربه نکرده است: «ششمی بودن». این فضای تازه، از لحاظ روان‌شناختی، اگر با پیش‌بینی‌ها و پیش‌گیری‌های درستی همراه باشد می‌تواند مثبت و بالنده باشد، وگرنه احتمال بروز مشکلات متعدد، هم در میان دانش‌آموزان و هم حتی بین معلمان، کم نیست.

در این نوشته، هم شمایی کلی از ساختار روانی دانش‌آموزانی که در سن ششم ابتدایی قرار دارند ارائه می‌دهیم و هم سؤال‌هایی را که ممکن است به خاطر تغییر نقش بچه‌ها در ذهنشان پیش‌آید مرور کرده‌ایم. دست آخر هم گفته‌ایم که چطور می‌شود از این دوران گذار بدون آسیب گذشت.

نقش ششم  
ابتدایی می تواند  
احساسات  
متناقضی به وجود  
آورد. احساس  
خسran به خاطر  
نرفتن به دوره  
بالتر و احساس  
افتخار به خاطر  
پیشرو بودن در  
تجربه ای تازه و  
«بزرگ تر مدرسه»  
بودن

بچه های ششم ابتدایی از قضا در سن حساسی هستند؛ سنی که هم بلوغ جسمی پیش آمده یا در راه ذهنشان را درگیر می کند و هم توانایی های شناختی و عقلانی آنها وارد مرحله تازه تری می شود. به همین خاطر، قبل از هر موضوعی، به مسائل روانی رایج این سن می پردازیم.

### ● تفکر انتزاعی

چندان نمی توان با قاطعیت سن دقیقی برای خارج شدن بچه ها از مرحله تفکر عینی و ورودشان به مرحله تفکر انتزاعی قائل شد. اما بیشتر متن های روان شناختی، از سن ۱۱ تا ۱۲ سالگی به عنوان این دوره گذار یاد می کنند. در مرحله تفکر عینی - یعنی مرحله ای که بچه ها تا پایه پنجم ابتدایی در آن بوده اند - دانش آموزان به شیوه های عینی مسائشان را حل می کنند؛ یعنی در تفکرشان از دنیای محسوس و قابل دیدن کمک می گیرند. مثلاً برای اینکه متوجه شوند چوب پنبه روی آب می ماند، حتماً باید آن را روی آب بیندازند و ببینند، و گرنه قوانین فیزیکی دردی از آنها درمان نمی کند؛ چون هنوز نمی توانند علت نظریه ها و قوانین را درک کنند. آنها می توانند کنش متقابل ماهی و گیاه را در یک اکوسیستم کوچک مثل آکواریوم بفهمند اما نمی توانند نظریه عمومی اکوسیستم ها را بفهمند. علت این مسئله، وارد نشدن به مرحله تفکر انتزاعی است.

اما در مرحله تفکر انتزاعی - یعنی همان مرحله ای که ششم ابتدایی ها در حال ورود به آن هستند - دانش آموز می تواند فرض کند که فلان احتمال می تواند اتفاق بیفتد یا نیفتد. برای همین مثلاً می تواند از Xها و Yها به جای اعداد واقعی استفاده کند و آنها را قابل تعمیم به هر مسئله مشابهی بداند.

در تفکر انتزاعی، دانش آموز برای حل یک مسئله ترکیب شیمیایی، حتماً لازم نیست که در آزمایشگاه شیمی مواد را با هم ترکیب کند تا ببیند چه اتفاقی می افتد (تفکر عینی)، بلکه با حل مسئله روی کاغذ، می تواند حدس بزند چه فعل و انفعالاتی رخ می دهد.

این ها را گفتیم تا یادتان باشد، تفکر بچه های ششم ابتدایی با بچه های پنجم ابتدایی تفاوت های بنیادین دارد و شما، هم در انتقال مفاهیم درسی و هم برای آموزش مهارت های زندگی، می توانید از تفکر انتزاعی آنها هم کمک بگیرید.

### ● بلوغ

براساس آخرین تحقیقات<sup>۱</sup>، میانگین سن بلوغ جنسی در ایران در پسرها از ۱۶ به ۱۲ و در دخترها از ۱۴ به ۱۰ سال کاهش یافته است. بنابراین، احتمال اینکه هم دختران و هم پسران پایه ششم ابتدایی درگیر مسائل بلوغ شوند، بسیار

است. این مسئله در مورد پسران ششم ابتدایی - که احتمال بالغ شدنشان در همان پایه ششم ابتدایی وجود دارد، از دختران بغرنج تر است. احتمالاً معلم های خانم دوره ابتدایی تجربه روبرو شدن با دختران تازه بالغ در پایه های چهارم یا پنجم ابتدایی را داشته اند، اما برای معلم های مرد دوره ابتدایی، دیدن تازه بالغان سال ششم، مسئله تازه ای خواهد بود. بنابراین، اطلاع داشتن از بلوغ جسمی و انواع زودرس و دیررس آن و مسائل حاشیه ای روان شناختی آن، لازم و ضروری است. در این باره هم بحث ها فراوان است که در این مقاله نمی گنجد. اما کتابها و مقاله های بسیاری در مورد بلوغ نوجوانان و مهارت هایی که معلم ها برای روبرو شدن با آن لازم دارند به فارسی نوشته شده است که خواندشان نیاز را رفع می کند.

### ● هویت یابی

دانش آموزان ششم ابتدایی در آستانه ورود به سن نوجوانی هستند. سن ورود به نوجوانی، براساس جدیدترین یافته های روان شناختی، در دخترها ۱۱ سالگی و در پسرها کمی دیرتر یعنی بین ۱۱ و ۱۲ سالگی است. نوجوانی با خودش مسائل بسیاری می آورد. نوجوان ها به خاطر احساس آسیب پذیری شدید، تندمزاج تر از کودکان هستند. به خاطر اینکه نقششان نه آزادی های کودکانه را دارد و نه مسئولیت ها و اختیارات بزرگسالانه را، سردرگم اند. مهم تر از همه، در مورد «هویت» خودشان درگیری ذهنی دارند. مایه های اصلی سؤال های «از کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود؟» و «به کجا می روم آخر؟» در همین اوایل نوجوانی شکل می گیرد. لازم است که معلم های دوره راهنمایی، هم دلیل تندمزاجی و سردرگمی های بچه ها را بدانند و هم به دانش آموزان این دوره اجازه دهند دغدغه های هویتی شان را در کلاس یا در خلوت های دو نفره دانش آموز - معلم مطرح کنند. معمولاً دانش آموزها در این سن از معلم ها به عنوان منبعی برای راهنمایی گرفتن و حل بحران هویتی شان استفاده می کنند. اما ممکن است به خاطر تندمزاجی یا تفاوت نگاه نسلی که دانش آموز به آن متعلق است با نسلی که معلم به آن تعلق دارد، این بحث های هویتی به جدلی اساسی بدل شود. داشتن دانش درباره این دغدغه ها، به معلم کمک می کند که این جدل ها را به مذاکره تبدیل کند.

### مسائل خاص «تازه ششمی ها»

غیر از مسائلی که به سن دانش آموزان ششم ابتدایی مربوط می شود، بعضی از مشکلات به این خاطر پیش می آید که نقش ششم ابتدایی، نقش تازه ای است که هم دانش آموزان و هم معلم های این پایه، برای اولین بار آن را تجربه می کنند.

دانش آموزان  
به شدت از  
باور معلم تأثیر  
می پذیرند و  
دامن زدن به  
باور «موش  
آزمایشگاهی  
بودن» در نهایت  
به ضرر خود  
دانش آموزان و  
حتی خود معلم  
است

دارند. این باور ممکن است در میان معلم‌های پایه تازه تاسیس ششم ابتدایی نیز وجود داشته باشد، چون خودشان هم در معرض موج این تغییرات هستند. قبل از همه باید خودتان باور داشته باشید که در معرض این تغییرات بودن همیشه هم بد نیست، اما حتی اگر این را باور ندارید و به اجبار معلم ششم ابتدایی شده‌اید، در کلاس به آن دامن نزنید. دانش آموزان به شدت از باور معلم تأثیر می‌پذیرند و دامن زدن به باور «موش آزمایشگاهی بودن» در نهایت به ضرر خود دانش آموزان و حتی خود معلم است. چون کسی که حس می‌کند موش آزمایشگاهی شده است، چه برای درس خواندن و چه برای درس دادن، انگیزه کمتری دارد. در نهایت یک سال تحصیلی با احساس نارضایتی مزم برای دانش آموزان و معلم باقی می‌ماند؛ احساسی که اگر

نگوییم می‌تواند مثبت باشد حداقل می‌تواند منفی نباشد.  
**به بچه‌ها اطمینان دهید که تکلیف سختی در پیش ندارند**

در مورد استرس تغییر با بچه‌ها حرف بزنید. بگذارید نگرانی‌هایشان را درباره پایه، نقش و مواد درسی تازه در کلاس مطرح کنند. با آن‌ها درباره افت مقطعی در پایه اول راهنمایی نظام قبلی آموزشی حرف بزنید و به آن‌ها اطمینان دهید که این تغییر برای رفع مشکل افت مقطعی به وجود آمده و سرفصل‌های درسی ساده‌تر از اول راهنمایی قدیم خواهد بود. ضمن اینکه می‌توانید خاطره چند نسل قبل از پایه ششم ابتدایی را تعریف کنید تا آن‌ها اطمینان پیدا کنند که نقششان قبلاً هم توسط چند نسل تجربه شده است و خیلی‌ها با وجود امکانات محدود از پس آن برآمده‌اند.

#### پی‌نوشت

۱. واحد مرکزی خبر. کنفرانس خبری رییس وقت سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره. دکتر غلامعلی افروز. ۱۳۸۹/۸/۱۸. گزارش مفصل جام‌جم در مورد دیدگاه‌های متفاوت در این مورد با عنوان کاهش سن بلوغ عاطفی در ایران:

<http://www.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=100849741889>

۲. DSM-IV-TR بازنگری چهارمین ویرایش کتابچه تشخیص و درمان اختلالات روانی. DSM را انجمن روان‌شناسی آمریکا منتشر می‌کند و اختلال انطباقی در جدیدترین ویرایش منتشر شده آن در سال ۲۰۰۰ اضافه شده است. «پیدایش نشانه‌های هیجانی و رفتاری در واکنش به یک یا چند عامل استرس‌زای قابل شناسایی، ناراحتی شدید فراتر از حد انتظار از مواجهه با این عوامل استرس‌زا و اختلال در کارکرد شغلی یا تحصیلی»، سه نشانه این اختلال هستند.

در این بخش به مسائل دانش‌آموزان می‌پردازیم. راه‌حل هر کدام را نیز در بخش بعد می‌آوریم.

#### چرا من به دوره بالاتر نرفتم؟

اگر ششم ابتدایی‌ها یک سال زودتر به دنیا می‌آمدند، سال گذشته دانش‌آموز سال اول راهنمایی و حالا دوم راهنمایی می‌بودند. اینکه آن‌ها در زمان خود، اولین دانش‌آموزانی هستند که این پایه را تجربه می‌کنند، می‌تواند احساسات متفاوتی را در آن‌ها به وجود آورد. بعضی از این احساسات منفی هستند. مثلاً «احساس ضرر کردن به خاطر نرفتن به دوره بالاتر»، یکی از احساسات هیجان‌ساز در بین تازه‌ششمی‌ها خواهد بود.

#### نکند من هم موش آزمایشگاهی شده باشم؟

تغییرات پی در پی در نظام آموزشی، کتاب‌های درسی و شیوه‌های ارزشیابی ممکن است در دانش‌آموزانی که چندان به دلایل نظام‌مند این تغییرات آگاه نیستند، باور رایج و ایرانی «موش آزمایشگاهی بودن» را شکل دهد. مخصوصاً اینکه از قضا این دانش‌آموزان، اولین کسانی هستند که باید یکی از بزرگ‌ترین تغییرات آموزشی را تجربه کنند.

#### نکند از پیش بر نیایم؟

ذات تغییر استرس‌آور است. در جدیدترین طبقه‌بندی اختلالات روانی انجمن روان‌پزشکی آمریکا، طبقه‌ای به نام اختلال انطباقی اضافه شده است. دلیل این اختلال، دقیقاً تجربه تغییر شدید در سبک زندگی است. از آنجا که هم پایه ششم ابتدایی و هم سرفصل‌های درسی‌اش تازه‌اند و پدر و مادرها و دانش‌آموزان قبلی چیزی در موردش نمی‌دانند، ممکن است دانش‌آموزان، مخصوصاً در ابتدای سال تحصیلی، احساس کنند که نکند از پس آن برنیایند.

#### با موج تغییر چه کنیم؟

برای سه مسئله احتمالاً رایجی که در بخش قبل گفتیم، راه‌حل‌هایی وجود دارد.

#### احساسات مثبت را جانشین احساسات منفی کنید!

نقش ششم ابتدایی می‌تواند احساسات متناقضی به وجود آورد. احساس خسران به خاطر نرفتن به دوره بالاتر و احساس افتخار به خاطر پیشرو بودن در تجربه‌ای تازه و «بزرگ‌تر مدرسه» بودن. شما می‌توانید در همان جلسه‌های اول درس، درباره این احساسات صحبت کنید. بعد روی بخش‌های مثبت این احساسات تأکید و آن‌ها را جانشین احساس منفی خسران کنید.

#### به باور «موش آزمایشگاهی بودن» دامن نزنید!

بعضی از معلم‌های آموزش و پرورش خودشان گزاره «هر کسی که موج اول تغییرات را تجربه می‌کند، موش آزمایشگاهی برنامه‌ریزهای نظام آموزشی است» را باور